

تشکل‌ها برای دانشجویان یا بر دوش دانشجویان

اکثریت فعالین سیاسی دانشگاه‌ها را دانشجویان مراکز دولتی تشکیل می‌دهند. تمایل محصلین دانشگاه‌های آزاد و غیر انتفاعی برای مشارکت در جنبش دانشجویی، به علت دغدغه‌ی تهیه‌ی شهریه و هم‌چنین جوّ بسته و تحت فشار این واحدهای آموزشی بسیار کم‌تر است و تقریباً حرکت چشمگیری صورت نگرفته است. اما فعالیت دانشجویان در مراکز دولتی نیز چندان آزادانه نیست.

تشکیل یک گروه سیاسی و فعالیت در دانشگاه‌های ایران بر طبق آییننامه‌های شورای عالی فرهنگی بایستی بر اساس مجوز قانونی از وزارت علوم باشد. به این ترتیب آشکار است که گرفتن مجوز و تنظیم اساسنامه توسط دانشجویان مستقل، در دانشگاه‌های ما بی‌سابقه بوده و گروه‌هایی که ایجاد می‌شوند به طور مخفی بدون اعلام موجودیت فعالیت محدود دارند. هر لحظه امکان دستگیری اعضاء و اخراج از دانشگاه‌ها وجود دارد. در مقابل، تشکل‌های سیاسی مانند انجمن‌های اسلامی و بسیج دانشجویی از طرف حکومت آخوندی بر فضای سیاسی دانشگاه‌ها تحمیل می‌شوند. سر‌نخ هر یک از این گروه‌ها به یکی از احزاب و جناح‌های سیاسی وصل است و این

جناح‌بندی‌های راست و چپ در حکومت است که مسیر حرکت‌های آنان را دیکته می‌کند.

بسیج دانشجویی تشکلی است سازمان‌یافته و یکی از شعبه‌های بسیج کل کشور که اختیارات نسبتاً وسیعی در دانشگاه‌ها دارد. این تشکل بودجه قابل توجهی از وزارت علوم و دیگر نهادهای دولتی، برای فعالیت سیاسی خود دریافت می‌کند. گردانندگان اصلی بسیج، اعضاء گروه را از نظر تفکر سیاسی و سابقه‌ی سیاسی و خانوادگی دستچین کرده و از همان مرحله‌ی ورود، این افراد را چه از نظر تنوری و چه از نظر عملی، در راستای تأمین اهداف خود آموزش می‌دهند. لازم به یادآوری نیست که امروز، این تشکل ضد توده‌ای ضد دانشجویی، با نقاب لباس شخصی و گروه فشار، به دستور ملام‌های حکومت اسلامی به سرکوب دانشجویان انقلابی پرداخته و از هیچ جنایت و خیانتی رویگردان نیستند.

متأسفانه بیش‌تر این دانشجویان را فریب خورده‌هایی تشکیل می‌دهند که تنورسین‌های حکومت با استفاده از تعصبات مذهبی آن‌ها را مزدور خود ساخته‌اند.

آزاده، یکی از دانشجویانی که مدت کوتاهی در عضویت بسیج بوده می‌گوید: «سالی که وارد دانشگاه شدم، تحت تأثیر تبلیغات وسیع در یکی از اردوهای تفریحی که بسیج برگزار می‌کرد شرکت کردم. اما در تمام طول مسافرت، ما را وادار می‌کردند در کلاس‌های آموزشی شرکت کنیم. محتوی مسائلی که آموزش می‌دادند، تماماً مربوط می‌شد به مسائل اعتقادی و مذهبی که خشونت را رواج می‌دهند. در بازگشت تصمیم گرفتیم از عضویت بسیج

خارج شوم، اما برای کمیته تشکیل دادند و با تهدید از من خواستند دلیل قابل قبولی برای کارم ارائه کنم.»

از دیگر تشکل‌های فعال در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی هستند که قبل از انقلاب نیز به فعالیت می‌پرداختند و با روی کار آمدن دیکتاتوری آخوندی و تصویب شورای عالی فرهنگی به صورت قانونی و وابسته به وزارت علوم، شروع بکار کردند. فعالیت‌های این تشکل در بعد از انقلاب ۵۷ را به دو دوره‌ی مختلف می‌توان تقسیم‌بندی کرد. دوره‌ی اول، از انقلاب فرهنگی تا انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶؛ دوره‌ی دوم خرداد ۷۶ تا به امروز.

با کودتای فرهنگی در دانشگاه‌ها و پاکسازی دانشگاه‌ها از مبارزین سوسیالیست انقلابی، امکان رشد و آگاهی سوسیالیستی از میان رفت و خفقان شدید بر فضای سیاسی دانشگاه‌ها حاکم شد.

در این دوره میان انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی چه از نظر ایدئولوژی و چه از نظر عملکرد، تفاوت‌چندانی وجود نداشت. و کاملاً علت همبستگی و همفکری این دو تشکل، مشخص است. بنا بر سیاست رژیم، هر دو این تشکل‌ها، در زمان جنگ پایگاهی بودند برای جذب دانشجویان و اعزام به جبهه‌های جنگ.

اما با شکافی که در میان حاکمان جمهوری اسلامی ایجاد شد که منجر به جناح‌بندی‌های چپ و راست در آن شد، جناح چپ یا اصلاح‌طلب آن برای داشتن پایگاهی در دانشگاه با کمک دفتر تحکیم وحدت، تلاش کرد انجمن‌های اسلامی را به زیر مجموعه خود تبدیل کند که تا حد زیادی نیز موفق به این کار شد. چرا که اولاً این تشکل، برخاسته از بطن دانشجویان نبود و تحت نظارت و کمک مالی وزارت علوم فعالیت می‌کرد. و ثانیاً دانشجویان که قبل

از ورود به دانشگاه در خفقان حکومت اسلامی بزرگ شده بودند به اندازه ای بی تجربه و از نظر فکری فقیر بودند که در روبرو شدن با این آزادی ظاهری که مطمئناً در راستای اهداف جمهوری اسلامی بود، به راحتی فریب تبلیغات آن‌ها را می‌خوردند. اکثریت نیروهای انجمن در این دوره را دانشجویانی تشکیل می‌دادند که از ورود آن‌ها به دانشگاه مدت زیادی نگذشته بود. این افراد پس از طی همان سیکلی که دانشجویان قدیمی طی کرده‌اند، با آگاهی از سوءاستفاده‌ای که از آن‌ها می‌شد، دچار سرخوردگی شده و میدان را برای همیشه ترک می‌کردند تا جای خود را به بی‌تجربه‌های سال بعد بدهند.

نکته‌ی دیگر این است که انجمن اسلامی از نظر امکانات و آزادی عمل در سطح بسیج دانشجویی نمی‌باشد که بر می‌گردد به موقعیت اصلاح طلبان در نظام.

جناح «چپ» هنوز در کفه‌ی پانین تری نسبت به «راست» قرار دارد. پس به این ترتیب نمی‌توانند نیروهای وابسته به خود را چه از نظر امکانات مالی و چه از نظر امنیت قضایی کاملاً تأمین کند. هم چنین ساختار تشکیلاتی انجمن بسیار ضعیف است. اعضای این تشکل را طیف گسترده‌ای از گروه‌های سیاسی، از لیبرال تا سلطنت طلب تشکیل می‌دهند که تنها خارج سازی قدرت از دست بخش غیر لیبرال رژیم آن‌ها را به هم پیوند داده است.

اگر راهی که در این چند سال اخیر، جنبش دانشجویی طی کرده است را بررسی کنیم، به وضوح خواهیم دید که بسیاری از حرکت‌های دانشجویان خود جوش نبوده و توسط دست‌هایی از خود نظام، چون دفتر تحکیم وحدت خط دهی شده‌اند. متأسفانه این جنبش نه تنها ضربه‌ای بر پیکر نظام پوسیده وارد نساخته، بلکه به تداوم آن کمک زیادی کرد.

امروز با مشاهده آن چه بر قشرهای دانشجویی می گذرد و به خصوص وضعیت دانشجویانی که در زندان بسر می برند می توان دید که چپگرا و راستگرا در جمهوری اسلامی جدا از هم نبوده و این حقیقت بارها در تخصصات طبقاتی کشور آشکار شده است. هر دو جناح جمهوری اسلامی زمانی که نوک حمله را به سوی سکوی قدرت خود در حفظ سیستم سرمایه می بینند، برای سرکوب شدید توده ها و دانشجویان مبارز، بر یکدیگر پیشی می گیرند.

اما در میان این بازار مکاره، هستند دانشجویانی که دچار سرگیجه ی سیاسی نشده، پایه ی افکار انقلابی بوده و نیروی ارزنده ای برای مبارزه محسوب می شوند. متأسفانه این نیرو به علت محدودیت در امکانات و هم چنین مسائل امنیتی که منجر می شود به بی اطلاعی آن ها از وجود گروه های راستین انقلابی، به هدر می رود. به همین علت و با توجه به حساس بودن وضعیت جنبش دانشجویی، رفقای عزیز دانشجوی سوسیالیست انقلابی، دادن آگاهی انقلابی و تلاش برای برقراری ارتباط با سایر همفکران خویش را وظیفه و بخشی از اهداف انقلابی خویش بدانند.

اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی با ایجاد سایت و نشریه « جوان سوسیالیست » اولین قدم در این راه را برداشته است. این گروه با بهره گیری از متدولوژی مارکسیستی تلاش می کند تا بین جنبش جوانان و دانشجویان، با جنبش کارگری و توده های فقیر مردم که متحدان واقعی آن ها در مبارزه هستند پیوند برقرار کند.

هدف اصلی اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایجاد یک قطب سوسیالیستی در درون جنبش جوانان است. زیرا جوانان دانشجوی و کارگر

مستثنی از جامعه نبوده و در میان آن ها نیز گرایش های انحرافی شکل می گیرد. نشریه «جوان سوسیالیست» با هدف مبارزه با انحرافات موجود و در راستای تدارک یک گرایش نظری مارکسیستی در درون جوانان؛ کار خود را آغاز کرده است. امیدواریم سایر گرایش های سوسیالیستی در این راه ما را یاری دهند.

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش طبقه ی کارگر!

سرنگون باد رژیم آخوندی حامی بربریت سرمایه!

برقرار باد حکومت شوراهای کارگری!

زنده باد سوسیالیزم!

پیش به سوی ایجاد حزب پیشتاز انقلابی!

رُزا جوان

۲۴ تیر ۱۳۸۲

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yashazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری